



[۱]

## درسی از دنیای عنکبوتها

در طبیعت نوعی عنکبوت وجود دارد که پس از تخمگذاری در پوست درخت، با تنیدن تار بر تخمهای بی شمارش آنانرا پوشانده از انظار پنهان نگه می‌دارد. پس از مدتی بچه عنکبوتها از تخم بیرون آمده و عنکبوت مادر بی‌آنکه کوچکترین گزایشی برای آسایش خود داشته باشد در پی یافتن غذای بچه‌هایش تکاپو می‌کند، کاری که همه حیوانات و حشرات انجام می‌دهند.

وقتیکه بچه عنکبوتها رشد نموده و آنقدر نیرومند شدند که خود در پی شکار روند، مادر از فرط خستگی و ناتوانی از پای درآمده و میمیرد. شگفت‌آورتر اینکه، نوع دیگری عنکبوت است که پس از اینکه بچه‌هایش از تخم بیرون آمدند، بدن خود را به عنوان غذا به خورد آنان می‌دهد. این موضوع تا اندازه‌ای باور نکردنی است، اما بدن مادر از لحاظ غذایی ماده‌ای مقوی برای بچه عنکبوتهاست.

نکته تکان دهنده این صحنه اینست که ادامه زندگی بچه عنکبوتها بستگی به جانبازی و مرگ مادر دارد، یعنی مادر باید فنا شود تا بچه‌ها به

## سنگفرش هر خیابان از طلاست

زندگی ادامه دهند.

آری، رفاه نسل آینده بستگی به فداکاریهای نسل کنونی دارد. در حقیقت تامین آسایش و رفاه بدون فداکاری میسر نیست. اگر بخواهیم از نظر فردی این موضوع را بررسی کنیم باید بگوییم خوشبختی بچه‌ها بستگی به فداکاری و از خود گذشتگی والدین آنان دارد. اشکها و رنجهای یک نسل باعث رشد و رفاه نسل دیگر می‌شود. به موازات آن والدین غیرمسئول و تن‌پرور، مسیری پر از نکبت و بدبختی در مقابل فرزندشان قرار می‌دهند.

بارها مشاهده کرده‌ام، خانواده‌های موفق کسانی هستند که والدین آنان به جای اینکه به فکر آسایش خود باشند، برای آسایش و رفاه فرزندان خود فداکاری و از خود گذشتگی کرده‌اند، اینان گویا قانون طبیعی عنکبوتها را دنبال می‌کنند، رفاه امروزی کشور ما نتیجه مستقیم و فداکاریها و از خود گذشتگانهایی است که نسل پیشین از خود نشان داده است.

این موضوع در مورد همه ملت‌های پیشرفته دنیا صادق است. موفقیت جامعه بر شالوده فداکاریهای تمامی یک نسل بنا می‌شود. مردم اغلب از «معجزه راین» سخن می‌گویند. آیا این واقعاً یک معجزه بود. «معجزه راین» چیزی جز کار طاقت فرسا و بیست و چهار ساعته تمامی مردم آلمان برای برپائی آلمان نوین نبود. نهضت ساختمان‌سازی همان آوازه پرطنین فداکاری و ایثار این ملت است و این از خود گذشتگی نقطه عطف رفاه آلمان امروزیست.

این چنین مثالها بی‌شمارند. روحیه فداکاری و از خود گذشتگی

## درسی از دنیای عنکبوتها

مهاجرین قاره آمریکا، پایه‌گذار پیشرفت و موفقیت جامعه آمریکای امروز است. موفقیت ژاپن نیز تا حد زیادی مدیون فداکاری مردم این مرز و بوم طی حکومت سلسله «می ای جی» است.

چه کسی انگلستان را بریتانیای کبیر ساخت؟ افرادی که در منتهای زحمت، برده‌وار در وضعیت نامطلوب زمان انقلاب صنعتی زحمت کشیدند.

هیچ چیز در زندگی رایگان به دست نمی‌آید و هیچ رویدادی تصادفی نیست هر چه بیشتر حفر کنید، گودال عمیقتری به وجود می‌آید و هر چه گودال عمیقتر باشد، آب چاه بیشتری خواهید داشت. اصل مهم همین است و غیر از این نیست.

در مورد کره، نسل دهه ۶۰ فداکاری و از خودگذشتهای بسیاری برای نسل آینده کرد. این فداکاری در حدی بود که من عادتاً از نسل خودم به عنوان نسل فداکار یاد می‌کنم. طی دهه ۶۰ بود که ما به امکان استقرار بنای یک اقتصاد مستحکم و ملتی قدرتمند پی بردیم. سپس با عزمی راسخ و پشتکاری بی‌نظیر این آرمانها را به ثمر رساندیم، رفاهیکه نسل امروز از آن بهره‌مند است، ثمره تلاشها و فداکاریهای آن دوران است.

من معتقدم که نسلهای فداکار چراغ تابناک مسیر تاریخند، پرتوی که از عزم راسخ آنان برای ایجاد ملتی مرفه و خوشبخت و زندگی نوین حکایت می‌کند. برای کره‌ایها این پرتو به منزله اراده و تصمیم آنان است تا ملتی مرفعی و پیشرفته به وجود آورده و مایه سربلندی و خرسندی نسل آینده شوند. نسل فداکار نسلی است که هیچ چیز برای خود نمی‌خواهد و تنها به فکر آیندگان است. زندگی چنین نسلی در سخت‌کوشی و از

## سنگفرش هر خیابان از طلاست

خودگذشتگی خلاصه می‌شود.

من کراراً از سوی ملت‌های پیشرفته مورد سؤال قرار می‌گیرم: که چرا شما کره‌ایها همیشه سخت کار می‌کنید و حتی یکروز هم استراحت ندارید. آیا وقت آن نرسیده که از وضع خود رضایت حاصل نموده و زندگی را آسان بگیرید قدری هم در فکر استراحت باشید.

من همواره برای این سؤال یک پاسخ دارم و آن این است که شما خیلی مرفه‌تر و بهتر از ما زندگی می‌کنید. بنابراین آیا فکر نمی‌کنید نسل آینده این کشور باید در صدد باشد تا رفاه کره را تا اندازه‌ای هم‌تراز کشورهای پیشرفته کند؟ احساس نسل کنونی اینست که ما مأموریت داریم، مقدماتی فراهم کنیم تا تفاوت‌های رفاهی بین کره و کشورهای پیشرفته طی نسل‌های آینده محدودتر و نهایتاً از بین برود.

من شخصاً معتقدم که این کشور هنوز نیاز به از خودگذشتگی فراوانی دارد. من از کسانی بیم دارم که با افراط کاری تازه به دوران رسیدگان، طوری رفتار می‌کنند که گویا عضو جامعه کشورهای صنعتی بزرگ هستند.

از آنجا که ما در زمانی زندگی می‌کنیم که جامعه ما نیازمند سخت کوشی مستمر است، لذا بایستی بار دیگر روحیه فداکاری و جهادگری گذشته را در خود بیدار کنیم. اگر فداکاری را به مفهوم از خودگذشتگی یک نسل برای رفاه نسل آینده بدانیم، پس لازم است هر نسل برای ایجاد آینده‌ای مطلوبتر فداکاری کند، چون رضایت یک نسل همیشه منجر به نارضایتی نسل بعدی خواهد شد.

طفلی میوه درختی را که پدر بزرگش کاشته است می‌چیند، اگر

## درسی از دنیای عنکبوتها

درختی نباشد، هیچ چیز برای چیدن کودک وجود ندارد. اگر یک نسل تماماً به نیازها و خواسته‌های خودش فکر کند، عاقبت چه چیزی برای نسل آینده باقی می‌ماند. حتی اگر زمانیکه درختان به ثمر می‌رسند زنده نباشیم، باز هم مسئولیت و وظیفه درختکاری بر دشمنان است.

چقدر لذت بخش است که کودکی میوه درختانی را که پدر بزرگش کاشته است بچینند و درباره کاشت درخت و دلیل درختکاری پدر بزرگش تفکر و تعمق کند.

فداکاری زمانی مقدور است که شما خوداندیشی را کنار گذاشته و فقط درباره دیگران فکر کنید و رفاه سایرین را به امیال و منافع شخصی ترجیح دهید. از خودگذشتگی حد والای نوع دوستی است.

امروزه در کره بسیاری از مردم درباره اینکه چگونه تخم گیاه باید بر زمین افتد و در خاک پنهان شود تا دوباره سر برآورده و به ثمر رسد سخن می‌گویند. این استحاله تخم در واقع یک نوع فداکاری است. تخم گیاه به زمین می‌افتد و مدفون می‌شود سپس ریشه و شکوفه داده نهایتاً میوه می‌دهد. اگر تخم گیاه فقط در فکر خود بود چگونه می‌توانست بارور و زاینده شود.

اگر تخم گیاه از پوسیدگی و فروپاشی خود در خاک خودداری کند مثل اینستکه از ثمر دادن امتناع کند. خودداری از چنین فداکاری مانع از به حاصل رسیدن مقادیر بسیار زیادی میوه خواهد شد. اصل موضوع کاملاً واضح است اگر یک نسل خود را فدا کند، نسل بعدی می‌تواند محصول ارزنده‌ای درو کند. اما زمانیکه یک نسل به خاطر حفظ آسایش و منافع خود هیچگونه فداکاری نمی‌کند، در واقع فرصت ایجاد هرگونه

## سنگفرش هر خیابان از طلاست

رفاه و موفقیت برای نسل آینده را از دست داده است که این کار، کاری خودپسندانه و ابلهانه می باشد.

به نظر می رسد، جوانان امروزی کره از شنیدن کلمه ایثار بیزارند. این طرز تفکر متأثر از فضای جامعه غربی است، که تاکید بر فردگرایی داشته و طالب زندگی بی درد لحظه ای است. خوب، درباره کلمه «از خودگذشتگی» چه احساسی دارید؟

ایثار و از خودگذشتگی کلماتی هستند که به طور وسیع توسط نسلهای نه چندان دور استفاده می شده، اما به نظر می رسد به جوانان امروزی هرگز چنین معنویاتی نیاموخته اند. هیچکس به جوانان امروزی گوشزد نمی کند که برای آرمانهای والا باید فداکاری کنند.

از آنجائیکه هیچکس این مطالب را به شما جوانان گوشزد نمی کند، اجازه دهید من اینکار را بکنم. برای آینده فداکاری کنید و برای بهبود جامعه فردی از خود گذشته باشید. برآورده کردن خواسته های فردی بسیار دلچسب است، ولی خواسته هایتان را فدای آرمانهای والاتری کنید زیرا این کار شیوه ارزشمند کردن زندگی است.

نسل من نسلی است که به خاطر نسل بعد از خود همانند تخم گیاه با از خودگذشتگی در زمین کاشته شده، و شما جوانان کسانی خواهید بود که محصول این از خود گذشتگیها را درو خواهید کرد. فراموش نکنید که شما هم باید کاشته شوید تا نسل بعد از شما دست کم محصولی برای جمع آوری داشته باشد.

[۲]

## تجلیات ذهن

من همواره در ارتباط با کارم دوستهای بسیارخوب و ارزنده‌ای داشته‌ام. یکی از آنان کشیش «رابرت شولر»، مبلغ مشهور، بین‌المللی فرقه اوانجلی است. چندی قبل از او دعوت کردم در یکی از دوره‌های آموزشی که برای روسای واحد شرکت «دیوو» ترتیب داده شده بود سخنرانی کند.

کشیش «شولر» طی سخنرانش خطاب به روسای واحدها اظهار داشت اگر مایلید به خواسته‌های واقعی خود دست پیدا کنید، باید اعتماد به نفس خود را از طریق نیروی اندیشه، تقویت کنید. به عبارت دیگر شما با قدرت فکری می‌توانید آینده خود را بسازید. احیاناً اگر در برابر دیگران احساس حقارت می‌کنید علت آنست که افکارتان منفی است و خود را بسیار معمولی می‌پندارید، تدریجاً این صفات در درون شما تثبیت شده و کانون تمام این خصائل خواهید گردید.

به عنوان مثال اگر واقعاً مایلید یک ویلونیست یا وکیل برجسته شوید، باید همیشه چنین تصور کنید که یقیناً فرد برجسته‌ای خواهید بود. به این



## سنگفرش هر خیابان از طلاست

طریق شما می‌توانید کلیه مسائل خود را حل کرده و به آرزوهایتان نیز جامه عمل بپوشانید.

وقتی جوان بودم همیشه می‌خواستم یک تاجر موفق باشم، گرچه در آنزمان افکارم نسبتاً مبهم بود، اما این آمال و آرزوها هرگز از من جدا نمی‌شدند. می‌خواستم تاجری موفق باشم که در جهت رفاه و پیشرفت ملتش بسیار موثر بوده و همیشه باور داشتم که می‌توانم اینکار را انجام دهم. پدر مرحومم با اعتقاد به اینکه من بالاخره تاجر موفق خواهم شد مشوق اصلی من بود. از آن پس، من همواره این فکر در مغزم چرخ می‌خورد که سرانجام روزی تاجر خواهم شد.

به خود می‌گفتم می‌خواهم یک تاجر شوم و یک تاجر خواهم شد. من اصلاً یک تاجر و این تلقینات، اعتمادی پولادین در من به وجود آورد. با اینکه به هیچ فرقه خاص مذهبی تعلق ندارم، اما وقتی که جوان بودم همیشه احساس می‌کردم خداوند بزرگ در جایی ناظر بر زندگی می‌باشد.

احساس می‌کردم هر کاری را که آغاز کنم موفق خواهم شد. لازمه‌اش تنها این بود که برای انجامش مصمم شوم. در اینصورت مطمئن بودم که می‌توانم آنرا انجام دهم. در آنزمان که سرمایه‌ای جز جوانی نداشتم، اعتماد به نفس متهورانه‌ام تنها سلاح من بود، البته باید اقرار کنم که این یکی از بالاترین و موثرترین حربه‌ای بود که می‌توانستم داشته باشم.

موسس تشکیلات صنعتی مشهور ژاپن آقای «توکو توشیو» یکبار سخنان ارزنده‌ای را دربارهٔ اعتماد بنفس و سرسختی ایراد کرد. وی اظهار نمود که برای موفقیت در هر چیز باید توانائی انجام آن کار را داشته

## تجلیات ذهن

باشیم. اما قابلیت و توانائی به تنهایی کافی نیستند. به موازات توانائی باید اصرار و استقامت و تمرکز فکر نیز داشت.

او ترکیبی از این سه عنصر را سرسختی می‌نامید و می‌گفت کار و فعالیت در هر حال مشکلات و شکست به همراه دارد. سرسختی یعنی توانائی مقابله با مصائب و شانه خالی نکردن در مواقع شکست. حتی کارهای بسیار خلاق شما هم ممکن است ناکامی و شکست در پی داشته باشد. اما موضوع مهم اینست که شما باید مصمم باشید. بتوانید کارتان را هر چه هست به اتمام برسانید. هیچ چیز غیرممکن نیست تنها عدم سرسختی شماست که کار را غیرممکن می‌سازد.

امیدوارم همه شما، اعتقاد و اعتماد کامل به کاری که می‌خواهید انجام دهید داشته باشید، زیرا هر کاری امکان‌پذیر است. اگر اعتماد به نفس و افکاری مثبت داشته باشید هیچ چیز برای شما غیرممکن نخواهد بود. امکانات گرداگرد شما پراکنده‌اند این بستگی به شما دارد که ممکنها را کشف کرده و به مرحله توفیق برسانید. دنیا دروازه‌های خود را در پیش روی کسانی که مثبت عمل می‌کنند، اعتماد و اعتقاد دارند و زندگی را با توانائی و نیرو به مبارزه می‌طلبند کاملاً گشوده است. جناب کشیش «شولر» می‌گوید: تمام چیزهایی که امروزه در اختیار داریم، زمانی آنانرا غیرممکن می‌پنداشتند. چنانچه این طرز تفکر همچنان ادامه می‌داشت، امروزه ما از داشتن پنسیلین، هواپیما و چیزهای بیشمار دیگری که هم اکنون آنها را عادی تلقی می‌کنیم محروم می‌ماندیم.

غیرممکن‌ها، ممکن گردید، چون عده‌ای به افکار و اندیشه‌های خود اعتماد و ایمان کامل داشتند. اینان همان کسانی هستند که تاریخ جهان

## سنگفرش هر خیابان از طلاست

را شکل داده رقم می‌زنند.

اما افراد منفی و کوتاه فکر و کسانی که به سادگی مقهور اوضاع می‌شوند، هرگز توفیقی کسب نخواهند کرد و درهای زندگی به رویشان مسدود خواهد ماند. این افراد با اینکه دارای تواناییهای لازم جهت شکوفا کردن فعالیت‌هایشان هستند، بی‌توجه به این نکته، شیوه ابتدائی ساده زندگی را در پیش می‌گیرند. هیچ دردی بالاتر و فرساینده‌تر از این نیست که فرد با استعدادی که قابلیت یک نوازنده چیره‌دست شدن را داراست غافل از این قدرت نهفته، در گوشه عزلت بنشیند و توجه سر دهد که چرا استعداد نقاش شدن را ندارد.

شما باید توجه داشته باشید که در گوشه‌ای نشستن و احساس حقارت و ناتوانی کردن در واقع خیانت به خالق آدمیست. من معتقدم که مردم هر کدام با تواناییهای شگرفی به دنیا آمده و برای این خلق شده‌اند تا از این قابلیت‌ها در حد کمال استفاده ببرند. عدم به کارگیری این قابلیت‌ها و توانایی‌ها نه فقط برای شخص زیان‌آور است بلکه برای اجتماع نیز یک ضایعه محسوب می‌شود. خود را دست کم نگیرید. البته زیاده‌روی درباره توانایی‌ها، خود مسئله بزرگیست اما هیچ چیز ننگین‌تر از این نیست که خود را دست کم بگیرید.

شاید کسانی باشند که مثلاً در رشته ریاضی اعتماد به نفس ندارند. عده‌ای به ورزش علاقمند نیستند و دیگران از سخنرانی در برابر جمع وحشت دارند. اما در عین حال بعضی از شما مایلید یک سیاستمدار، نقاش، دانشمند، و یا مثل من موسس یک مجتمع صنعتی شوید. مطلبی که می‌خواهم به عنوان یک پیش‌کسوت بگویم، اینست که مهم نیست که چه

## تجلیات ذهن

حرفه‌ای در آینده انتخاب می‌کنید و چه کاره می‌شوید، مهم اینست که به خود اعتماد و ایمان داشته باشید آنچه که خواسته شماست در ضمیر باطن خود جا دهید. آنوقت چنانچه خود نیز بخواهید یقیناً موفق می‌شوید. فراموشتان نشود که هر چه امروز داریم، روزی غیرممکن تصور می‌شد.

www.KetabFarsi.com

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

[۳]

## بکوشید تا بهترین باشید

طی جنگ کره من و خانواده‌ام از سئول گریخته و به عنوان آوارگان جنگی در «تاگو» سکنی کردیم. پدرم را قبلاً ربوده و به کره شمالی برده بودند و برادرهای بزرگترم نیز در ارتش خدمت می‌کردند. بنابراین در سن چهارده سالگی مجبور به تحصیل معاش خانواده‌ام شدم. در هرج و مرج زمان جنگ کار چندانی برای همسن و سالهای من نبود، اما خوشبختانه یکی از شاگردان قبلی پدرم در دفتر روزنامه‌ای کار می‌کرد و ترتیبی داد تا من روزنامه فروشی کنم.

من معمولاً روزنامه‌ها را به مغازه‌هایی که در بازار شلوغ «پانچون» در «تاگو» بودند می‌فروختم. به محض دریافت روزنامه‌ها، بیدرنگ به سوی بازار می‌دویدم، چون اگر در بین راه وقتم را صرف فروش چند روزنامه به رهگذران می‌کردم، در آنصورت شانس فروش روزنامه در بازار «پانچون» را به نفع روزنامه فروشهای دیگر از دست می‌دادم. بنابراین من هرروز اولین روزنامه فروش چاپک قدم بازار بودم، ولی باز هم نمی‌توانستم همه بازار را در اختیار داشته باشم، زیرا همین که در ابتدای

## سنگفرش هر خیابان از طلاست

بازار شروع به فروختن روزنامه‌ها می‌کردم، مقدار زیادی از وقتم صرف پس دادن بقیه پول مغازه‌داران می‌شد و طی این لحظات گرانبها، روزنامه فروشهای دیگر به من رسیده، سبقت گرفته و به سرعت مابقی بازار را برای فروش روزنامه‌هایشان در اختیار می‌گرفتند.

من برای اینکه خانواده‌ام را نسر کنم، باید اقلأً روزانه صد روزنامه می‌فروختم مادر و دو برادر کوچکترم همیشه با دلواپسی در خانه انتظار می‌کشیدند. بنابراین برای اینکه بتوانم تمام روزنامه‌ها را بفروشم مجبور بودم، راههای جدیدی ابداع کنم و برای همین، هر روز مقدار زیادی پول خرد با خود به بازار می‌بردم و بقیه پول مشتریان را بین روزنامه گذاشته، به داخل مغازه پرت می‌کردم و با سرعت پول را از مغازه‌دار قاپیده، عجلولانه به سمت مغازه بعدی می‌رفتم. با این روش به مرور توانستم کنترل دوسوم از بازار را در دست بگیرم. ولی با تمام این تفاسیل هنوز هم سایر روزنامه فروشها به من می‌رسیدند.

من باید تاکتیک خود را عوض می‌کردم و اینکار را هم کردم. اینبار وقتی که به بازار رسیدم با سرعت هر چه تمامتر، یک روزنامه به داخل هر مغازه پرتاپ می‌کردم و سپس در بازگشت و سرفرصت پول روزنامه‌ها را از مغازه‌ها پس می‌گرفتم به این ترتیب هیچیک از روزنامه فروشها نمی‌توانستند به من برسند. البته همه به موقع و در همانروز پول روزنامه‌ها را پرداخت نمی‌کردند، ولی به این طریق می‌توانستم همه روزنامه‌هایم را فروخته و در عرض چند روز بدهی خود را پس بگیرم. پس از گذشت دو ماه، روزنامه فروشهای دیگر عموماً از فروش روزنامه در بازار صرفنظر کرده و از آن پس من کل بازار را در اختیار داشتم.

## بکوشید تا بهترین باشید

به نظر خودم، پس از این تجربه یاد گرفتم که همواره با سعی زیاد خود می‌توانم بر موقعیتهای هر چند دشوار، فائق آیم. از بدو فعالیت تجاریم سخت کوشیده‌ایم عالیترین باشم. البته احساس رضایت کامل ندارم، ولی فکر می‌کنم به هر حال می‌توانم به بسیاری از موفقیت‌هایم افتخار کنم.

افرادیکه مایلند جزء برترینها باشند باید همواره نهایت سعی خود را برای رسیدن به اهدافشان بکار بندند. اگر شما حداکثر تلاش خود را به عمل آورید، گرچه احتمال دارد همیشه جزو بهترین‌ها نباشید ولی به یقین، در یک قدمی بهترین‌ها قرار خواهید گرفت. از سوی دیگر اگر نکر می‌کنید قادر به انجام کاری نیستید و توانائی بهترین شدن را در خود نمی‌بینید، در اینصورت هرگز در کاری موفق نخواهید شد. من قبول دارم که کارهایتان با اهمیت است ولی از آن مهمتر چگونگی برخورد شما با خودکار است. طرز برخوردتان باید طوری باشد که به هرکاری که دست می‌زنید به بالاترین سطح صعود کنید. اگر بخواهید سیاستمدار یا بازرگان یا نقاش و یا محقق یا هر چیز دیگر شوید سعی کنید در رشته خود عالیترین باشید. کسی نباشید که فقط برای رفع تکلیف سعی و کوشش می‌کند. جزو بهترینها باشید و با تمام وجود در جهت هدفتان تلاش کنید. زیرا هرچه بیشتر بکوشید، شانس موفقیت و توفیق‌تان بیشتر خواهد بود. من معتقدم کسانی که در رشته خود به عالیترین سطح می‌رسند به این دلیل است که اهداف والائی در پیش رو دارند و بالاترین کوشش خود را نیز در راه نیل به اهدافشان بکار بسته‌اند. تلاشهای تردیدآمیز هرگز کسی را به درجات عالی نمی‌رساند. چندسال قبل، بایکی از اعضای تیم مجارستان که برنده مسابقات اروپائی شده بودند، مصاحبه‌ای



صورت گرفت.

یکی از خبرنگاران از این بازیکن دربارهٔ رمز موفقیتش سؤال کرد او پاسخ داد هر وقت فرصت کند توپ می‌زند و وقتی توپ نمی‌زند دربارهٔ فوتبال صحبت می‌کند و زمانیکه دربارهٔ فوتبال صحبت نمی‌کند دربارهٔ آن فکر می‌کند.

بنابراین همانطور که ملاحظه می‌کنید، یک بازیکن برجسته فوتبال، یک بازیکن مادرزاد نیست، بلکه در این راه کوشش کرده است. هر کسی می‌تواند بهترین باشد، تنها کسانی که خود را کاملاً وقف اهدافشان می‌کنند به سطح عالی می‌رسند و معجزه‌ای هم در کار نیست. عدهٔ زیادی سخن از پیشرفت حیرت‌انگیز «دیوو» می‌کنند، ولی موفقیت «دیوو» برای خود ما چیز اعجاز‌آوری نبود. ما تنها تلاش بسیار نمودیم و سعی کردیم که در رشته خود بهترین باشیم.

کوشش من همواره این بوده که «دیوو» را به عالیترین سطح سوق دهم و همیشه اصرار داشته و خواهیم داشت که کارکنان شرکتان با استفاده از بهترین موفقیتها به عالیترین سطح کار ممکن صعود کنند. من هرگز از موفقیتهای کنونیم رضایت کامل نداشته‌ام و هیچگاه از کوشش و تلاش برای رسیدن به اهداف بالاتر دست برنمی‌دارم زیرا متوجه شده‌ام که تلاش سرسختانه در هر کار، تنها راه گریز و اجتناب از افتشوس و تأسفهای آینده است.

بنابراین امیدوارم شما جوانان کوشش کنید در هر کاری که مشغول می‌شوید به عالیترین سطح برسید. حتی در افکارتان هم تصور نکنید که کسی جز شما در رأس قرار خواهد گرفت.

## بکوشید تا بهترین باشید

بله قربان گوئی به دیگران خوشایند نیست بلکه عملی است پست و دون. هیچگاه به داشتن عنوان دوم راضی نباشید و خیال نکنید در رأس بودن خیلی برایتان زیاد است. تصمیم بگیرید که کرسی بالا جایگاه حقه شماست و آنجا اختصاص به شما دارد. چنانچه شما بهترین و بالاترین سعی خود را برای رسیدن به اهدافتان انجام دهید، سرانجام پاداش دلنشینی نصیب خود خواهید کرد.

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

[۴]

## جهان از آن شماست

در سال ۱۹۷۶، اولین بار پس از تحویل گرفتن شرکت ماشین‌سازی کره به اهمیت شایان توجه رشد و توسعه تکنولوژی وقوف یافتم و از آنجا که پیشرفت تکنولوژی را عامل اصلی موفقیت «شرکت دیوو» میدانستم، تصمیم گرفتم تعدادی از کارکنان این شرکت را برای آموزشهای فنی رهسپار شرکت «مان» آلمان کنم. در آنزمان «دیوو» با شرکت «مان» موافقتنامه همکاریهای فنی امضاء کرده بود. من از بین رؤسا و معاونین واحدهای شرکت که همگی فارغ‌التحصیلان رشته مهندسی بودند دوازده نفر را برای آموزش خارج از کشور انتخاب کردم.

عده‌ای با این برنامه مخالفت میکردند به خصوص مسئولان بخش تولید، آنها احساس میکردند از دست دادن ۱۲ مهندس شاغل در پست‌های کلیدی روی تولید اثر سوء خواهد گذارد. البته آنان نگران شرکت بودند ولی من معتقد بودم که این برنامه را باید به خاطر مزایای دراز مدتی که برای شرکت دربر خواهد داشت نگریم، نه از جهت اولویت‌ها و تیاژه‌های کنونی شرکت. من احساس میکردم، بدون تکنولوژی

## سنگفرش هر خیابان از طلاست

بالا تر نمی توانستیم شرکت را به مسیر پیشرفت هدایت کنیم. سرانجام مسئولان بخش تولید را متقاعد کردم که محرومیت‌های کوتاه مدت در واقع سرمایه گذاری برای پیشرفت‌های دراز مدت شرکت است.

یکسال بعد پس از بازگشت مهندسین از آلمان، پرسنل تولید متوجه شدند که تصمیم من کاملاً صحیح و درست بوده است. زیرا دانش و تجربیات فنی که این مهندسین طی یکسال کسب کرده بودند، استاندارد فنی شرکت را در حدود پنج سال بالاتر برد.

همانطور که قبلاً اشاره کردم شما جوانان اولین نسل کره به عنوان یک ملت پیشرفته خواهید بود. پیشرفتی که براساس فداکاریهای نسل امثال من به دست آمده است، ما مایل بودیم ملت کره را تحت عنوان یک ملت پیشرفته و نه یک ملت در حال رشد به نسل آینده تحویل دهیم. بنابراین شما نیاز به بینشی وسیع دارید و در عین حال باید ارزشهایی را که در خور مقام و مسئولیتهای نوین شما در جهان است دارا باشید.

در قدم اول باید آینده‌نگر باشید. افرادی هستند که افکارشان منعطف به گذشته‌هاست و همه گفته‌هایشان را با این کلمات آغاز میکنند. «در گذشته من چنین و چنان...» این دسته از افراد توسط گذشته‌هایشان ناپینا شده و فاقد هرگونه تصویری از آینده میباشند. البته تمرکز زیاده از حد بر افکار و ایده‌های زمان حال نیز مسئله‌سازست.

اجازه می‌خواهم به چند مثل کره‌ای اشاره کنم. «یک سگ زنده بهتر از یک صاحب منصب مرده است» «شکم سیر غبطه خوردن را از بین میبرد». این مثل‌ها گرچه قدیمی هستند ولی شرایط امروز را نیز در برمی‌گیرند و در کل نشانگر مشغله فکری کره‌ائیه‌ها به واقع‌نگری

## جهان از آن شماست

امروزشان است. اسیر گذشته‌ها بودن و راحتی و آسایش امروز را طلبیدن مانع از دیدن افق‌های فردا خواهد شد.

برای ساختن جامعه، شما نیاز به ارزشهای آینده‌ساز دارید این ارزشها شامل فداکاری و سرمایه‌گذاری امروز برای نبل به خوشبختی و مواهب فردا نیز میشود.

شما باید نگرشی به افق‌های دوردست داشته باشید، زیرا زندگی سفریست طولانی. هنر استفاده مؤثر از فرصتهایتان را برای ایجاد فرداهای بهتر در خود پرورش دهید.

دو ماراتن ۴۲/۱۹۵ کیلومتر است دوندۀ ماراتن با در نظر گرفتن خط پایان بایستی سرعت دویدن خود را در سرتاسر این مسافت تنظیم کند. به همین ترتیب شما باید به خاطر فرداهای بهتر، امروز فداکاری کنید. کوتاه نظری را کنار بگذارید و از روی نادانی و غفلت منافع دراز مدت را به خاطر فواید آنی از دست ندهید. زندگی در یک روز خلاصه نمی‌شود. همیشه در تخیلات و رؤیای خود بیندیشید که رهبران و قهرمانان فردا خواهید بود، زیرا اگر چنین نکنید در صحنه زندگی به جای بازی نقش اول، تنها سیاهی لشکر خواهید بود.

ضمناً برای شما که به عنوان اولین نسل کره پیشرفته دیده به جهان گشوده‌اید نصیحتی دارم. با اینکه دنیا بسیار بزرگ است اما طی سالهای اخیر، دنیا به صورت مجتمعی از همسایگان درآمده است. ما اکنون قادریم در عرض یک روز به ژاپن سفر کرده و همانروز نیز برگردیم. چیزی که ۵۰ سال قبل غیرقابل تصور بود.

یک قورباغه در قعر چاه هیچگونه ادراکی از وسعت دنیای اطراف

## سنگفرش هر خیابان از طلاست

خود ندارد. هر قدر که از کوه بالاتر بروید چشم انداز وسیعتری می بینید. مشاهده دنیای عظیم، بینش شما را وسعت و رشد می دهد، و به شما کمک می کند تا بر خودپسندی و کوتاه نظری غالب شوید.

از آغاز فعالیتیم، بازارهای جهان همواره برایم مطمح نظر بودند، ولی هیچیک از موسسات کره ای آن زمان توجهی به بازارهای بین المللی نداشتند. این بی توجهی در حقیقت به نفع ما بود چون بازارهای جهانی برخلاف بازارهای داخلی محدودیتی نمی شناسند. به همین سبب، من با برطرف کردن موانع و فرا رفتن از مرزها به بازارهای نامحدود دست یافتم و باعث رشد و ترقی «دیوو» شدم.

از ابتدا ما ترجیحاً کسانی را استخدام کرده ایم که با روح مبارزه طلبی خواستار استقرار دنیائی نوین بودند، و هرگز از نفوذ در بازارهای بین الملل غفلت نمی کردند. این انعکاسی است از روحیه واقعی شرکت «دیوو».

شما جوانان، قهرمانان آتی کره هستید و امیدوارم که نهایتاً قهرمانان دنیا شوید. بنابراین در زمانیکه به عنوان اولین نسل کره پیشرفته با گامهای استوار در عرصه جهان پیش می روید از شما می خواهم که چشم انداز وسیعی از دنیا در پیش روی خود قرار دهید. با این چشم انداز به سوی آینده پیش تازید، حرکت کنید. غرق دوران گذشته و زمان حال نشوید و خود را در مرزهای جغرافیائی کشورتان محبوس نکنید.

آینده و جهان آینده هر دو از آن شماست.

[۵]

## نظری به علوم پایه

کره تقریباً فاقد منابع طبیعی است و ملت آن ملت است کوچک با تراکم جمعیت زیاد. در مقابل ما دارای یک سرمایه بسیار عظیمی هستیم که به ما قدرت بخشیده تا خود را به پایه کشورهای پیشرفته صنعتی برسانیم. این سرمایه نیروی کار ممتاز و تحصیل کرده این کشور است که در عین حال آماده به هر نوع کوشش و فداکاری است.

از برکت نیروی کار، ما توانسته‌ایم قابلیت‌های تکنولوژی خود را تا بالاترین سطح جهانی رشد دهیم. ما تنها ملتی هستیم که در رقابت‌های حرفه و صنعت و دوره‌های آموزشی بین‌المللی بارها و بارها مدال‌ها و افتخاراتی برای کشورمان به ارمغان آورده‌ایم. در نتیجه تکنولوژی صنایع تولید و مونتاژ، تولیدات صادراتی ما قابل مقایسه با کالاهای کشورهای پیشرفته دنیا است.

اما داشتن صنعت تولید به تنهایی کافی نمی‌باشد. اساس تکنولوژی تولیدی امروز بستگی به خلاقیت و نوآوری دارد. وقتی صحبت از خلاقیت و نوآوری در این رشته می‌شود، کشور ما سخن چندانی برای



## سنگفرش هر خیابان از طلاست

گفتن ندارد. زیرا ما تاکنون به طور آشکار توجه خود را منحصر به تکنولوژی علوم کاربردی کرده‌ایم و پیوسته کالاهای مشابه محصولات خارجی ساخته و روانه بازارهای مختلف کرده‌ایم و در نتیجه از سرمایه‌گذاری در علوم پایه غافل مانده‌ایم. ما در حقیقت فاقد علوم پایه هستیم. چنانچه تحقیقات در علوم پایه را فعال نکنیم ما فقط قادر به ادامه تقلید و مشابه‌سازی خواهیم بود. بنابراین ما باید بیش از پیش به علوم پایه توجه کرده و در آن سرمایه‌گذاری کنیم تا در جهان صنعتی امروز به جای مقلد بودن آفریننده تکنولوژی نیز باشیم. روند کنونی اینستکه با گذشت زمان کشورهایی که هنوز موفق به رشد کافی در تکنولوژی نشده‌اند، بیشتر و بیشتر از کشورهای صنعتی فاصله بگیرند.

چنانچه شما در خانه‌ای سکنی کنید که پایه مستحکمی ندارد، دائم در بیم و هراس به سر می‌برید. همانطور که خانه‌ای بدون پی‌ریزی محکم دوام ندارد به همان نسبت شما بدون علوم پایه نمی‌توانید انتظار پیشرفت در صنعت و تکنولوژی داشته باشید. اگر قرار است درختی به ثمر بنشیند، باید دارای ریشه‌ای تنومند باشد و هر چه ساختمان بلندتر باشد، شالوده آن نیز باید مستحکم‌تر باشد.

بنابراین وقت آن رسیده که این کشور از مرحله تقلید و اقتباس تکنولوژی خارجی بیرون آمده و صنعت تکنولوژی خود را رشد دهد. شرکت «دیوو» تاکنون تعداد زیادی فارغ‌التحصیلان رشته علوم را برای ادامه تحصیل به خارج از کشور اعزام نموده است. در اوائل سال ۲۰۰۰، ما در بین کارکنان این شرکت حدود ۱۰۰۰ دکترای علوم خواهیم داشت. بنیاد «دیوو» برای تحقیقات علوم پایه کمکهای خاصی اعطای می‌کند

## نظری به علوم پایه

که نتایج این تحقیقات در مجموعه‌های علمی «دیوو» منتشر می‌شود. ما این سیاست را به این دلیل دنبال می‌کنیم چون معتقدیم علوم پایه به معنای اساس و ریشه درخت تمدن است.

در کره، ما سرمایه‌ای جز نیروی کار ممتاز و تحصیل کرده نداریم. بنابراین چنانچه بخواهیم با ملتهای پیشرفته رقابت کنیم، جوانان کره باید بیش از سایرین علم بیاموزند و کوشش کنند. من صادقانه امیدوارم که بسیاری از شما جوانان، در رشته‌های علوم پایه که مورد علاقه و مناسب توانائی شماست ادامه تحصیل دهید.

البته علوم نوین و پیشرفته حائز اهمیتند. اما اساس کلیه علوم و دانشها در علوم پایه نهفته است. بدون علوم پایه، سایر علوم توسعه و رشد چندانی ندارند.

اجازه دهید، علوم پایه را از نظر مسائل روزمره بررسی کنم. کره یکی از کشورهای است که بالاترین رقم مصرف سرانه در نوشابه‌های مختلف را دارد. اکنون سنوال می‌کنیم چند نفر از ما اطلاعاتی راجع به منشأ تاریخچه نوع مشروبات و غیره داریم.

علیرغم مصرف خیلی زیاد نوشابه در این کشور ما هنوز قادر به تولید نوشابه‌ای در سطح بین‌الملل نیستیم، چون اصول اولیه را نمی‌دانیم.

این نه فقط درباره نوشابه‌سازی بلکه در مورد کالاهای وارداتی دیگر مثل منسوجات، ماشین‌آلات، دستگاههای الکترونیکی و وسایل نقلیه نیز صادق است. نتیجتاً ما چاره‌ای جز تقلید از تکنولوژی کشورهای مرفعی نداریم. با این وصف تعدادی از موسسات داخلی در مورد توانائیهای صنعتی خود آگهی می‌دهند و سایرین با استفاده از نمودارهای کامپیوتری،

## سنگرش هر خیابان از طلاست

تواناییهای تکنولوژی خود را به شیوه اغراق آمیزی برای مردم نشان می دهند. ولی در حقیقت چیز چندان مهمی در پس این تبلیغات وجود ندارد.

مدهای زودگذر به سرعت محو می شوند. گرچه همه چیز در حال تغییر و تحول است اما چیزی که هرگز عوض نمی شود اصول غیر قابل تغییر زندگی است، کما اینکه علوم پایه نیز اساس علم و دانش است و هرگز تغییر نمی کند. قبل از اینکه شما جوانان تصمیم به پیروی از مدهای زودگذر کرده و برای لحظه ها زندگی کنید، امیدوارم توجه خود را به اصول زندگی معطوف دارید.

در عصری که اصول اساسی بیش از هر موقع در جامعه نادیده گرفته شده اند، توجه به این اصول بیشتر از هر زمان برای اجتماع ضرورت دارد. جامعه کره امروز آشفته، بی ثبات، نامطمئن و بدون استاندارد شده و تقریباً همه چیز سهل الوصول گردیده است.

بعضی مواقع حس می کنم شاید اصول اساسی زندگی توسط نسل کنونی محو و به فراموشی سپرده شده است.

اگر نسلی مفاهیم و رهنمودهای صحیح برای پیروی نداشته باشد، جامعه دچار بی ثباتی می شود. بدون حفظ اصول، پایه های جامعه دستخوش لرزش می شود. چنانچه افراد جامعه اصل زندگی و مفهوم واقعی زندگی کردن را نشناسند، روند زندگی شان همانند نقوش آینه های زیاننا تصادفی و بی رویه می شود. بنابراین ما باید اصول و ارزشهای واقعی زندگی را بازیابی کنیم. ما باید مفاهیمی را که راه درست و غلط زندگی را به ما می آموزند بار دیگر پیدا کنیم. ما باید نسبت به ارزشهای

## نظری به علوم پایه

زندگی آگاهی صحیح داشته و به صورت یک انسان واقعی زندگی کنیم. به چه علت کتاب «آنچه را که برای زندگی کردن لازم داشتیم در کودکان آموختیم» نوشته «رابرت فول هام»<sup>۱</sup> پرفروش‌ترین کتاب شد. به این دلیل که نویسنده در کتابش اشاره به اصول زندگی می‌کند. اصولی که انسان در کودکان فرا می‌گیرد نه پس از کسب مدارج عالی تحصیلی. این کتاب راه و روش طبیعی و ساده زندگی را به طور موثری بازگو می‌نماید و ما از این طریق متوجه می‌شویم چه اصولی را از دست داده‌ایم و چه اصولی را باید بازیابی کنیم. دوران جوانی زمانیست که شما اصول زندگی را فرا می‌گیرید و اگر آن را به طور صحیح یاد بگیرید، زندگی پربار و خوش فرجامی نصیب شما خواهد شد. اما اگر از این اصول غفلت شود و زندگی را بر روی لذت‌های گریزان و زودگذر قرار دهید مثل اینست که خانه خود را بر روی شنزار بنا کنید.

---

۱- رابرت فول هام- نویسنده معاصر آمریکا

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

[۶]

## پول هیچکاره است

یک فرد دانا بخوبی می‌داند که چگونه باید از پول و وقتش عاقلانه استفاده کند. بنابراین اجازه دهید یادآور شوم که شما نباید حتی مقدار کمی از پول و یا وقت خود را به هدر دهید. از همان آغاز جوانی برخورد صحیحی نسبت به پول داشته باشید. البته پول به تنهایی نه خوب است و نه بد. نحوه استفاده از آن نقش پول را مشخص می‌کند.

پول بایستی در جائیکه نیاز به آن است استفاده شود تا فایده داشته باشد. یعنی هم برای خود شما و هم سایرین سودمند باشد. مصرف پول در جهت تحصیل علم، معالجه و یا برای کسی که نیاز مالی دارد، عاقلانه است و هیچ لزومی ندارد که شما در اینگونه موارد خسیس باشید. تنها چیزی که لازم است اینست که از خود سؤال کنید آیا پول برای شما و یا سایرین مفید خرج می‌شود یا خیر؟

با توجه به این مطالب حتی دیناری از پولتان را به هدر ندهید. پول را با بلاهت خرج نکنید، مثلاً چیزی را که اصلاً لازم ندارید هرگز خریداری نکنید.